

بررسی آزادی مشروط در حقوق ایران

محمد باقر همتی، کارآموز وکالت کانون مازندران و گلستان

مقدمه

مقنن هر کشوری با وضع مقررات کیفری، سیاست‌های کیفری خاصی را دنبال می‌کند؛ از جمله ی این سیاست‌ها بازدارندگی خاص و عام و مهم تر از همه اصلاح محکومین است.

وقتی قاضی دادگاه متهمی را محکوم می‌کند و با توجه به روحیات و سوابق شخصی او (اصل فردی کردن مجازات‌ها) مجازاتی برای او تعیین می‌کند، از نحوه ی واکنش او در مقابل مجازات بی اطلاع است؛ این واکنش‌ها تنها در عمل و پس از آن که محکوم مدتی را در زندان به سر برد، ظاهر می‌گردد. در مواردی ممکن است این واکنش مثبت باشد و اصلاح محکوم قبل از خاتمه ی مدت محکومیت تحقق پیدا کند. در این صورت منطقاً دلیلی وجود ندارد که محکوم اصلاح شده بقیه‌ی مدت محکومیت را در زندان به سر برد. به همین خاطر امروزه در غالب نظام‌های جزایی با استفاده از نظرات مکتب‌های تحقیقی و دفاع اجتماعی جدید زندانی را به طور مشروط آزادی می‌کند. این آزادی، مشروط خوانده می‌شود؛ زیرا ادامه‌ی آزادی او مقید به حسن رفتار و تبعیت او از مقرراتی است که دادگاه برای دوران آزادی مشروط وضع می‌کند.

در راستای همین امر حقوق ایران نیز از چنین تدابیری مستثنا نبوده است. سابقه‌ی آزادی مشروط در کشور ما به «قانون راجع به وادار نمودن محبوسین غیر سیاسی به کار» (مصوب ۱۳۱۴) باز می‌گردد. به موجب این قانون آزاد کردن محکومان به حبس مشروط به رضایت از کار آنان در «مؤسسات» فلاحتی یا منعتی بود؛ یعنی نوعی آزادی، مشروط به اشتغال به کار توأم با محافظت. با تصویب ماده واحده‌ی قانون «راجع به آزادی مشروط زندانیان» (مصوب ۱۳۳۷) آزادی مشروط به مفهوم امروزی آن نزدیکتر شد.

بعد از انقلاب نیز مقنن ماده واحده ۱۳۳۷ را با تغییراتی در سال ۱۳۶۱ و سال ۱۳۷۰ و اصلاحی ۱۳۷۷ مورد پذیرش قرار داد. در این مقاله به نقد و بررسی مواد (۳۸) (اصلاحی ۱۳۷۷)، (۳۹) و (۴۰) قانون مجازات اسلامی پرداخته می‌شود.

تعریف آزادی مشروط

آزادی مشروط عبارت است از صدور حکم آزادی محکوم علیه از حبس یا تبعید^(۱) توسط دادگاه صادر کننده ی حکم محکومیت قطعی با رعایت شرایط مقرر در قانون، با این قید که محکوم علیه در مدت ی معین - که قانون مشخص کرده است - باید مواردی را رعایت کند تا آزادی او قطعی گردد.

مبانی آزادی مشروط

دکتر ین حقوق جزا دلائل و توجیه آزادی مشروط را چنین بیان کرده‌اند:

آقای دکتر گلدوزیان معتقدند وقتی قرائن حاکی از آمادگی محکوم علیه زندانی برای بازگشت به جامعه و ادامه‌ی زندگی شرافتمندانه است باید موجبات این انطباق اجتماعی را فراهم ساخت تا از محیط جرم زای زندان و تماس با بزهکاران حرفه‌ای در امان و مصون بماند.^(۲)

آقای دکتر صانعی توجیه آزادی مشروط را چنین بیان کرده‌اند: هدف اصلی مجازات اصلاح و تربیت مجدد محکوم برای زندگی در اجتماع است؛ پس در صورتی که این هدف قبل از خاتمه‌ی مدت محکومیت تحقق یابد، ادامه‌ی بازداشت

زندانی خلاف عقل و منطق و متضمن خطراتی است که احتمالاً در صورت توقف بیشتر زندانی در محیط زندان پیش می‌آید.^(۳)

مرحوم دکتر عبدالحسین علی آبادی در جلد دوم کتاب «حقوق جنایی» تحت عنوان «نقش اجتماعی آزادی مشروط» چنین نوشته‌اند:

«آزادی مشروط برای مدتی متهم را از عیوب اقامت در زندان دور می‌سازد. با تشویق محبوسین به رعایت نظم زندان آرامش محیط آن‌ها تسهیل می‌گردد و موجب احیای اخلاقی و آماده شدن محبوسین برای زندگانی در اجتماع می‌شود. آزادی مشروط به محبوس مجال می‌دهد که برای خود شغلی تهیه نماید تا پس از قطعی شدن آزادی به آن اشتغال ورزد.»^(۴)

آقای دکتر اردبیلی معتقدند که سیاست گزاران کیفری آزادی مشروط را یکی از ابزارهای مقابله با تکرار جرم شناخته و امیدوارند که تهدید اجرای مجازات در مدت آزادی مشروط تغییر مطلوبی در رفتار محکومان پدید آورد.^(۵)

۱- شرایط اعطای آزادی مشروط

صدور حکم آزادی مشروط منوط به رعایت شرایطی می‌باشد: پاره‌ای از این شرایط مربوط به نوع مجازات است شرایط ماهوی، پاره‌ای از آن نیز مربوط به محکوم و پاره‌ای دیگر مربوط به شرایط شکلی و درخواست آزادی مشروط است. ذیلاً به بررسی این شرایط می‌پردازیم.

۱- شرایط ماهوی آزادی مشروط

۱-۱- نوع مجازات مورد حکم آزادی مشروط

ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۷۷ مقرر می‌دارد «هر کسی برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد، دادگاه صادرکننده‌ی دادنامه‌ی محکومیت قطعی می‌تواند در صورت وجود شرایط ذیل حکم به آزادی مشروط صادر نماید...»

با توجه به ماده اخیرالذکر کسانی می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند که به مجازات «حبس» محکوم شده باشند. البته ذکر این موضوع نیز واجب است که به موجب ماده (۵) قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ کسانی که به «تبعید» محکوم شده‌اند، و به گونه‌ای حالت خطرناک دارند طبق شرایط ماده (۵) پس از سپری شدن حداقل سه سال از مدت تبعید، می‌توانند از مقررات آزادی مشروط مقرر در قانون اقدامات تأمینی استفاده کنند. البته آزادی مشروطی که در ماده (۵) قانون اقدامات تأمینی مورد توجه مقنن واقع شده با آن چه که در ماده (۳۸) ق.م.ا به کار رفته، متفاوت است؛ چرا که طبق ماده (۳۸) محکوم زمانی می‌تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند که برای بار اول به مجازات حبس محکوم شده باشد اما در ماده (۵) قانون اقدامات تأمینی چنانچه محکوم علیه سابقه‌ی مجازات حبس نیز داشته باشد، می‌تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند. در مورد «حبس» مندرج در ماده (۳۸) سؤالاتی مطرح می‌شود: اولاً آیا حبس مندرج در ماده فقط شامل حبس‌های تعزیری و بازدارنده می‌باشد یا منظور از آن حبس به معنای مطلق آن است؛ یعنی شامل حبس‌های ناشی از حدود و قصاص نیز می‌شود (مثل بند "ج" ماده (۲۰۱) ق.م.ا)؛ ثانیاً آیا کسانی که مشمول تکرار جرم هستند و مجازات جرم جدید آن‌ها حبس است باز هم می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند؟ به بیانی دیگر شمول ماده فقط در مورد کسانی است که اولین بار مرتکب بزه شده و مجازات آن حبس است یا نه منظور ماده کسانی است که قبلاً به مجازات‌های دیگری غیر از حبس محکوم شده و این اولین بار است که به مجازات

حبس محکوم شده‌اند؟ ثالثاً اگر کسی در جهت اعمال ماده (۲۲) ق.م.ا (کیفیات مخفیه قضایی) مجازات بزه‌اش به حبس تبدیل شود می‌تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند یا خیر؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت: پاره‌ای از حقوق دانان معتقدند که هر چند کلمه ی «حبس» در ماده (۳۸) اطلاق دارد ولی به نظر می‌رسد که تنها حبس‌های تعزیری و بازدارنده را می‌توان مشمول آن دانست؛ چرا که حدود غیر قابل تغییر هستند.^(۶)

دسته‌ای دیگر از حقوق دانان معتقدند که کلیه مجازات‌های حبس اعم از حدود، تعزیرات و بازدارنده و یا قوانین متفرقه‌ی دیگر مشمول مقررات اعطای آزادی مشروط قرار خواهند گرفت. استناد این دسته ذکر مطلق مجازات حبس در م (۳۸) ق.م.ا است.^(۷) پس طبق این نظر آزادی مشروط درباره‌ی بند «ج» ماده (۲۰۱) ق.م.ل در مورد مجازات حبس ابد در مرتبه ی سوم برای سارق حدی قابل اعمال است. به نظر می‌رسد باید حق را به کسانی داد که حبس را به معنای مطلق آن گرفته‌اند، زیرا علاوه بر اطلاق واژه ی حبس در ماده (۳۸)، پیشینه‌ی تقنینی آزادی مشروط نیز مؤید این نظر است؛ چه این که قانون‌گذار در سال ۱۳۶۱ در ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی، فقط کسانی را مشمول مقررات آزادی مشروط می‌دانست که به مجازات «حبس تعزیری» محکوم شده باشند. ولی در ماده (۳۸) ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحی ۱۳۷۷ کلمه ی تعزیری حذف شده است و این امر نشان از گرایش مقنن به استفاده از آزادی مشروط برای کلیه ی محکومین به حبس است.

پاسخ به پرسش دوم باید گفت که اکثریت دکتربین حقوق جزا قایل به این نظرند که مشمولین قائده ی تکرار جرم می‌تواند از مقررات آزادی مشروط استفاده کنند؛ یعنی اگر محکوم علیه قبلاً مرتکب جرمی شده که مجازات آن غیر از حبس بوده و اکنون برای بار اول مرتکب جرم جدیدی شده که مجازات آن حبس است، می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند. اما اگر مجازات جرم قبلی او حبس بوده است و جرم جدید او نیز مجازات حبس دارد، نمی‌تواند از مقررات ماده (۳۸) استفاده کند. به عبارتی دیگر منظور مقنن از عبارت «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد...» این است که مرتکب، سابقه‌ی محکومیت به مجازات حبس نداشته باشد و بار اول است که مرتکب بزه‌ی می‌شود که مجازات آن حبس است.^(۸)

البته آقای دکتر آخوندی معتقدند که هر گاه زندانی سابقه محکومیت کیفری داشته باشد دیگر نمی‌تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کنند.^(۹) پس طبق نظر ایشان شخصی که اولین بار مرتکب جرم اعم از عمدی و غیر عمدی شده باشد می‌تواند از مقررات آزادی مشروط استفاده کند بدون این که سابقه ی محکومیت به هر نوع مجازاتی را داشته باشد. در پاسخ به پرسش سوم باید اذعان داشت آن چه ملاک است حبس مندرج در دادنامه‌ی محکومیت قطعیت یافته می‌باشد نه مجازات یا کیفر قانونی عمل ارتكابی. پس هر گاه دادگاه در راستای سیاست فردی کردن مجازات‌ها و با استناد به ماده (۲۲) ق.م.ا. مجازات قانونی جرمی را (مثلاً شلاق تعزیری) تبدیل به مجازات حبس کند. محکوم علیه می‌تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند. این موضوع از عبارت ماده (۳۸) اصلاحی که مقرر می‌دارد... به مجازات حبس محکوم شده باشد... قابل استنباط است.

استنباط فوق در مورد «حبس بدل از جزای نقدی» - که در راستای اجرای ماده (۱) قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ مورد حکم قرار می‌گیرد نیز صادق است؛ یعنی اگر کسی به موجب قانون و حکم دادگاه به پرداخت جزای نقدی محکوم شود و آن را نپردازد یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید، دادگاه می‌تواند در

ازای هر یکصد هزار ریال (۱۰) یا کسر آن محکوم به جزای نقدی را بازداشت کند. در این مورد محکوم علیه نمی‌تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند. چرا که ماده (۳۸) اشعار می‌دارد «... به مجازات حبس محکوم شده باشد...» و این در حالی است که در مانحن فیه محکوم علیه در دادنامه‌ی قطعیت یافته به مجازات جزای نقدی محکوم شده است نه حبس و اعمال «حبس بدل از جزای نقدی» در واقع پس از صدور حکم است و روشی است جهت وصول جزای نقدی موید این نظر صدر اول ماده (۱) قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی اصلاحی ۸۱/۶/۲۶ می‌باشد که اشعار می‌دارد: «هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به جزای نقدی محکوم گردد...»

۱-۲- سپری شدن مدتی از مجازات

محکوم علیه برای این که بتواند از آزادی مشروط استفاده کند با توجه به ماده (۳۸) ق.م.ا اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۷ باید نصف مجازات حبس خود را گذرانده باشد. البته در ماده (۳۸) ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ اگر مجازات قانونی جرمی تا سه سال حبس بود محکوم علیه با سپری کردن نصف مجازات حبس و اگر مجازات جرمی بیش از سه سال حبس بود محکوم علیه با سپری کردن دو ثلث مجازات می‌توانست از آزادی مشروط استفاده کند که این قید در اصلاح سال ۱۳۷۷ حذف شد.

ذکر این موضوع خالی از فایده نیست که ملاک احتساب «نصف مجازات»، مجازات مندرج در دادنامه است نه مجازات مندرج در قانون. پس اگر کسی به موجب ماده (۷۱۴) ق.م.ا (قتل ناشی از رانندگی) به شش ماه حبس محکوم شده باشد و دادگاه در راستای اجرای ماده (۲۲) ق.م.ا. مجازات او را به چهار ماه تقلیل دهد، سپری کردن نصف چهار ماه یعنی دو ماه ملاک است. این امر از صدر ماده (۳۸) اصلاحی ق.م.ا که اشعار می‌دارد: «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد...» قابل استنباط است.

موردی که قانون مجازات اسلامی به آن اشاره نکرده است «محکومان به حبس ابد» است. آیا محکومان به حبس ابد می‌توانند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کنند یا خیر^(۱۱) (مثلاً تبصره ی بند "۴" ماده (۴) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶)؟ در این خصوص در تبصره ی ماده واحده‌ی قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۲۳ اسفند ۱۳۳۷ تعیین تکلیف این تبصره اشعار می‌داشت «محکومین به حبس ابد پس از گذراندن دوازده سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند.»

در ابتدای امر شاید چنین به نظر آید که با توجه با سکوت قانون مجازات اسلامی و این که گذراندن نصف مجازات حبس در مورد حبس دایم - که مدت ندارد - قابل تحقق نیست در نتیجه محکومین به حبس دایم نمی‌توانند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کنند.

اما باید توجه داشت که در مورد مجازات‌های «حبس دایم» می‌توان از تبصره‌ی ماده واحده‌ی قانون «راجع به آزادی مشروط زندانیان» استفاده کرد و صرف این که در ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی به این مورد اشاره نشده است، نمی‌توان اعتقاد به «نسخ ضمنی» ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان داشت؛ چرا که در تعریف نسخ ضمنی گفته شده است.^(۱۲) «نسخ ضمنی هنگامی است که پس از انتشار قانون (ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان) مقرراتی تصویب شود (ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی) که با قانون سابق قابل جمع نباشد. در این صورت چون اجرای هر دو قانون امکان ندارد و معقول به نظر نمی‌رسد که قانون‌گذار اجرای دو امر متضاد را فرمان دهد...»

این در حالی است که مغایرت و تضادی بین این دو قانون وجود ندارد و هر دو قانون با هم قابل جمع می‌باشد. برای تأیید این نظر می‌توان به ماده (۴۹۷) ق.م.ا. استناد جست. به موجب این ماده کلیه ی قوانین مغایر با این قانون ملغی است. نتیجتاً چون قانون مجازات اسلامی در خصوص «حبس دائم» حکمی ندارد و از طرفی بین ماده واحده‌ی مصوب ۱۳۳۷ و ق.م.ا. مغایرتی وجود ندارد، استناد به تبصره‌ی این ماده واحده خالی از اشکال است.

۲- شرایط مربوط به محکوم علیه

بعد از جمع شدن شرایط فوق محکوم علیه در صورتی می‌تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند که شرایط زیر جمع باشد:

۱) هر گاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد (بند "۱" ماده (۳۸) ق.م.ا.) و این موضوع مورد تأیید رییس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی ناظر زندان و یا رییس حوزه ی قضایی محل (با احیای دادسرا این وظیفه بر عهده دادستان است) قرار گیرد. (تبصره "۱" ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی)

۲) هر گاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد (بند "۲" ماده (۳۸) ق.م.ا.) و این امر مورد تأیید رییس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی ناظر زندان و یا رییس حوزه قضایی محل قرار گیرد. (تبصره "۱" ماده (۳۸) ق.م.ا.)

۳) هر گاه تا آن جا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده، بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و ... (بند "۳" ماده (۳۸) ق.م.ا.) و این موضوع باید به تأیید قاضی مجری حکم برسد (تبصره "۱" ماده (۳۸) ق.م.ا.). چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود و این موضوع برای دادگاه احراز شود، اعسار وی مانع استفاده از آزادی مشروط نمی‌شود؛ این امر از بند "۳" ماده (۳۸) که اشعار می‌دارد «هر گاه تا آن جا که استطاعت دارد ...» قابل استنباط است.

۳- شرایط شکلی یا تشریفات اعطای آزادی مشروط

صدور حکم آزادی مشروط نیازمند به رعایت یکسری تشریفات و آیین رسیدگی به شرح ذیل می‌باشد:

۱- پیشنهاد آزادی مشروط

طبق ماده (۳۹) ق.م.ا. پیشنهاد آزادی مشروط با سازمان زندان‌ها می‌باشد که البته باید به تأیید دادستان یا دادیار ناظر زندان برسد.

۲- مرجع رسیدگی به پیشنهاد آزادی مشروط

مطابق ماده (۳۸) ق.م.ا. دادگاه صادر کننده‌ی دادنامه‌ی محکومیت قطعی، مرجع رسیدگی می‌باشد. از نظر علمی و منطق خاص قضایی، حکم کیفری وقتی قطعی است که جز از طریق اعاده ی دادرسی قابل شکایت نباشد.^(۱۳)

البته به جز اعاده ی دادرسی مطابق ماده (۱۸) قانون «اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ و تبصره "۱" و "۲" آن احکام قطعی که خلاف بین و نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد، قابل طرح در «شعبه‌ی تشخیص» دیوان عالی کشور می‌باشد.

باید توجه داشت که دادگاه، تکلیفی برای صدور حکم آزادی مشروط ندارد. به بیانی دیگر مخیر است که پیشنهاد سازمان زندان‌ها را بپذیرد یا رد کند.

اما سؤال قابل طرح این است که هر گاه دادگاه صادر کننده دادنامه‌ی قطعی از اعطای آزادی مشروط خودداری نمود، آیا تصمیم وی در مرجع عالی تر قابل رسیدگی است یا نه؟
به دلایل زیر اعتقاد بر این است که تصمیم دادگاه بر رد تقاضای آزادی مشروط محبوس در مرجع عالی تر قابل رسیدگی نمی‌باشد:

۱) به موجب ماده (۳۸) ق.م.ا. تصمصیم به آزادی محبوس در صلاحیت دادگاه صادر کننده دادنامه‌ی قطعی است. بنابراین دادگاه دیگری نمی‌تواند در مرحله‌ی بعدی به عنوان مرجع عالی تر نسبت به آزادی مشروط محبوس تصمصیم بگیرد.^(۱۴)

۲) آزادی مشروط را نمی‌توان حقی برای محبوس تلقی نمود و اعطای آزادی مشروط نوعی ارفاق تلقی می‌شود، لذا رد تقاضا قابل اعتراض نمی‌باشد.

۳) با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری اصل بر قطعیت احکام و قرارهای می‌باشد مگر این که قانون در موردی نص صریح داشته باشد. البته رد پیشنهاد آزادی مشروط مانعی برای پیشنهاد مجدد نیست.

۴- نتایج اعطای آزادی مشروط

۱- تعیین مدت آزادی مشروط و رعایت شرایط ضمن مدت از سوی محکوم علیه

بعد از این که پیشنهاد صدور حکم آزادی مشروط مورد قبول دادگاه صادر کننده حکم قطعی قرار گرفت، دادگاه ضمن صدور حکم آزادی مشروط، پاره‌ای محدودیت طی مدت معین برای محکوم علیه در نظر می‌گیرد. محدودیت‌های ضمن حکم، تمثیلی است و شامل مواردی از قبیل: سکونت در محل معین، خودداری از سکونت در محل معین، خودداری از اشتغال به شغل خاص و ... می‌شود.

در مورد مدت آزادی مشروط تبصره‌ی "۳" ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی اشعار می‌داشت «مدت آزادی مشروط اصولاً شامل بقیه‌ی مدت مجازات خواهد بود ولی دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال کم تر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود، جز در مواردی که بقیه‌ی مدت کم تر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه‌ی مدت حبس خواهد بود.» تبصره‌ی فوق در ماده (۴۰) ق.م.ا. به این نحو بیان شده است: «مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه، کم تر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود.»

ماده (۴۰) ق.م.ا. این ایراد را دارد که اگر مدت حبس جرمی در دادنامه‌ی قطعی یافته کم تر از یک سال باشد، مدت آزادی مشروط چگونه حساب می‌شود؟ مثلاً در مورد جرایم مندرج در ماده (۶۹۰) ق.م.ا. (ایجاد مزاحمت، تصرف عدوانی و ممانعت از حق) مجازاتی که قانون‌گذار در نظر گرفته است یک ماه تا یک سال حبس است حال قاضی دادگاه هشت ماه برای محکوم علیه در نظر می‌گیرد. اگر پس از گذراندن نصف مجازات حبس، پیشنهاد آزادی مشروط مورد قبول واقع شود، تعیین مدت آزادی مشروط چگونه است؟

اگر دادگاه مدت آزادی مشروط را بقیه‌ی مدت حبس یعنی چهار ماه حکم دهد، این برخلاف نص ماده (۴۰) ق.م.ا. می‌باشد. از طرفی دیگر اگر بخواهد فقط با توجه نص قانونی مدت آزادی مشروط را تعیین کند حداقل آن یک سال است و این برخلاف عدالت و به ضرر محکوم علیه است.

در پاسخ باید اذعان داشت که ماده (۴۹۷) ق.م.ا می‌تواند راهگشا باشد. این ماده اشعار می‌دارد «کلیه ی قوانینی که با این قانون مغایر باشد ملغی است» و چون ماده (۴۰) ق.م.ا در خصوص این که اگر بقیه‌ی مدت محکومیت کم تر از یک سال باشد حکمی ندارد و مغایرتی نیز با تبصره‌ی "۳" ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی ندارد، می‌توان از این تبصره استفاده کرد.

۲- موارد لغو حکم آزادی مشروط

با توجه به تبصره "۳" ماده (۳۸) ق.م.ا. موارد لغو حکم آزادی مشروط عبارتند از:

- عدم رعایت شرایط و ترتیبات مندرج در حکم توسط محکوم علیه (مثلاً معرفی نوبه‌ای خود به زندان).

- در صورتی که ارتکاب جرم جدید که در این صورت از باب قاعده ی تعدد جرم بوده و با استناد به ماده (۴۷) ق.م.ا محکوم علیه مجازات می‌شود (حسب مورد «جمع مجازات‌ها» یا «تشدید مجازات»).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا بعد از لغو حکم آزادی مشروط محکوم علیه می‌تواند مجدداً درخواست آزادی مشروط کند؟ آقای دکتر نوربها معتقدند که باید قایل به تفکیک شد، در صورت لغو حکم به دلیل تخلف از شرایط درخواست مجدد آزادی مشروط اشکالی ندارد اما در صورت ارتکاب جرم جدید قبولی مجدد با اشکال مواجه است؛ زیرا محکوم علیه قبلاً به مجازات حبس محکوم شده است و نحوه‌ی نگارش ماده دلالت دارد بر اجرای محکومیت و عدم پذیرش آزادی در چنین شرایطی^(۱۵)

اگر در خلال مدت آزادی مشروط، به هر دلیلی اعم از ارتکاب جرم جدید یا تخلف از ترتیباب و شرایط دادگاه آزادی مشروط لغو شود آیا مدتی که محکوم علیه به عنوان آزادی مشروط گذرانده است، قابل احتساب است؟ فرضاً مدت آزادی مشروط یک سال بوده، محکوم پس از گذراندن نه ماه مرتکب جرم جدیدی شده و آزادی مشروط او طبق تبصره "۳" ماده (۳۸) لغو شده است. حال مدت نه ماه سپری شده را می‌توان به عنوان مدت محکومیت محاسبه کرد یا نه؟

قانون مجازات اسلامی در این مورد ساکت است. اما ماده "۶" قانون آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ تکلیف را مشخص کرده بود یعنی «مدتی که در آزادی مشروط گذشته، جزء مدت محکومیت محسوب نخواهد شد». حکم فوق از لحاظ ثنوری چنین توجیه شده است که زندانی در دوران آزادی مشروط، عدم شایستگی خود را در استفاده از اعتماد و ارفاقی که به او شده، نشان داده است. در نتیجه زندانی نمی‌تواند از امتیازی که شایستگی آن را نداشته، استفاده کند.

اما شاید بتوان گفت چون قانون مجازات اسلامی در این باره منعی ندارد، بتوان مدت سپری شده را جزء محکومیت او محاسبه کرد. این نظر با عدالت و حمایت از حقوق محکوم علیه سازگارتر است.

چنانچه در خلال مدت آزادی مشروط مشخص شود که محکوم علیه سابقه کیفری دارد، آیا دادگاه می‌تواند آزادی مشروط را لغو کند یا خیر؟

در این خصوص نیز باید قایل به تفکیک شد: ۱- چنانچه مجازات جرم قبلی محکوم علیه «حبس» باشد، دادگاه می‌تواند آزادی مشروط را لغو کند؛ چرا که طبق ماده (۳۸) ق.م.ا محکوم علیه در صورتی می‌تواند از ارفاق آزادی مشروط استفاده کند که برای بار اول به مجازات حبس محکوم شده باشد.

۲- اما چنانچه سابقه کیفری محکوم نشان دهنده مجازاتی غیر از مجازات حبس باشد دلیلی بر لغو آزادی مشروط وجود ندارد.

در پایان باید خاطر نشان ساخت که چنانچه محکوم علیه در طی مدت آزادی مشروط مرتکب هیچ تخلفی نشود و دستورات دادگاه را رعایت کند، آزادی او قطعی خواهد شد. اما در هر حال اجرای قمستی از مجازات حبس، سابقه کیفری برای او محسوب می‌شود و در رعایت «تکرار جرم» مورد لحاظ قرار می‌گیرد.

نتیجه

نهاد آزادی مشروط در کنار تعلیق اجرای مجازات از موارد تعویق اجرای مجازات است، نهادی که به موجب آن محکوم علیه می‌تواند چنانچه در دوران آزادی مشروط به اعتماد دستگاه قضایی پاسخ مثبت دهد، به صورت قطعی آزاد شود. نهادی که علاوه بر تأکید بر اصلاح مجرم، موجب کاهش آمار زندانیان شده و معایبی که مجازات حبس دارد را (مثلاً همنشینی با بزهکاران حرفه‌ای) در صورت قطعیت کاهش می‌دهد. مقنن کشور ما نیز از مقررات آزادی مشروط بهره جسته اما این مقررات دارای ابهامات و نواقصی می‌باشد که در این چند سطر به نقد و بررسی آن پرداخته شد.

پیشنهادات

۱- شمول حبس در ماده (۳۸) ق.م.ا دقیقاً مشخص شود تا موجب تفسیر و اختلاف سلیقه نشود، مثلاً آیا شمول ماده (۳۸) درباره‌ی «حبس‌های ناشی از حدود» صادق است یا خیر؟

۲- جهت یک پارچه کردن قوانین، ماده واحده‌ی «قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان» مصوب ۱۳۳۷ تا آنجایی که با ماده (۳۸) ق.م.ا مغایرتی ندارد، تحت عنوان ماده (۳۸) مکرر به قانون مجازات اسلامی الحاق شود تا نواقصی مانند «چگونگی استفاده‌ی محبوسین دائم از مقررات آزادی مشروط» برطرف شود.

۳- شایسته است که مقنن در قالب یک تبصره اعلام نماید «باید مدتی را که در دوران آزادی مشروط سپری شده ولی بنا به دلایلی آزادی مشروط لغو می‌شود، جزء مدت محکومیت محاسبه کرد.

۴- ماده (۴۰) ق.م.ا به این صورت اصلاح شود. «مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه کم تر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود مگر این که بقیه‌ی مدت کم تر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه‌ی مدت حبس خواهد بود». کاری که مقنن در تبصره "۳" ماده (۳۹) قانون راجع به مجازات اسلامی انجام داده بود.

پی نوشت‌ها:

- ۱- ماده (۵) قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ در مورد بزهکاران به عادت.
- ۲- گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۳۶۷.
- ۳- صانعی، دکتر پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۳۰۳.
- ۴- علی آبادی، دکتر عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۲، به نقل از آخوندی، دکتر محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۳، پاورقی ص ۱۱۱.
- ۵- اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۳۴۹.
- ۶- نوربها، دکتر رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۴۷۶.
- ۷- اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۵۰ و شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۲.
- ۸- نوربها، دکتر رضا، زمینه ی حقوق جزای عمومی، ص ۴۷۶، و اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۲۵۰ و گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۳۶۸.
- ۹- آخوندی، دکتر محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۳، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.
- ۱۰- ماده (۱) قانون نحوه ی اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ اصلاحی ۸۱/۶/۲۶
- ۱۱- تبصره ی بند "۴" ماده (۴) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحیه‌های بعدی آن (۱۳۷۷/۶/۱۵) مقرر می‌دارد «هر گاه محرز شود مرتکبین جرایم موضوع بند "۴" این ماده (تولید، توزیع، ساخت، فروش، وارد کردن، صادر کردن بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته و یا تفاله ی تریاک بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه ی تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم) برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن ها هم شده و مواد بیست کیلو باشد دادگاه با جمع شرایط مذکور آن ها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنای هزینه ی تأمین زندگی متعارف برای خانواده آن ها محکوم می‌نماید.
- ۱۲- کاتوزیان، دکتر ناصر، مقدمه ی علم حقوق، ص ۱۷۰.
- ۱۳- آخوندی، دکتر محمود، همان منبع، ص ۲۳.
- ۱۴- باهری، دکتر محمد و میرزا علی اکبر خان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، ص ۴۶۸.

۱۵- نوریها، دکتر رضا، زمینهای حقوق جزای عمومی، ص ۴۸۲.

کتابنامه

- ۱- نوریها، دکتر رضا، زمینهای حقوق جزای عمومی، نشر داد آفرین، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۷۹.
- ۲- صانعی، دکتر پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۷۶.
- ۳- گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۸.
- ۴- شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۲، انتشارات ژوبین، چاپ هفتم، ۱۳۷۶.
- ۵- آخوندی، دکتر محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۳، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۷۷.
- ۶- اردبیلی، دکتر محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر میزان، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۸۱.
- ۷- باهری، دکتر محمد و میرزا علی اکبر خان داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، مجمع علمی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۸- کاتوزیان، دکتر ناصر، مقدمه‌ی علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۷.